

## طراحی فضای گمشده زیر پل های شهری با بکارگیری شاخصه های مکان سازی (نمونه موردی پل آذرآبادی تبریز)

هادی آقائزاد بودری<sup>۱\*</sup>، مهرناز رشیدقلم<sup>۲</sup>

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری/ دانشگاه هنر اسلامی تبریز، (hadi\_aghanejad@yahoo.com)

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری/ دانشگاه هنر اسلامی تبریز، (mehrnazrashidi@ymail.com)

### چکیده

فضاهای شهری تحت تاثیر دگرگونی های دوره مدرنیسم تغییر شکل و نقش ظاهری و درونی شدیدی را متحمل شدند و بدون توجه به زمینه های کالبدی، فرهنگی و اجتماعی شکل گرفتند که در نتیجه آن فضاهای بی شکل، راکد و نامکان های رها شده در شهرها گسترش یافتند. این فضاها زمین های بلااستفاده پیرامون لبه ی بزرگراه ها، زیرگذرها و روگذرهایی هستند که طراحان به نگهداری و استفاده از آنها کمتر توجه نشان می دهند.

عدم مطلوبیت فضایی و بی هویتی و فقدان فضاهای شهری پاسخگو از جمله عواملی هستند که توجه به مکان سازی را در چنین فضاهایی حائز اهمیت می کند. بنابراین شناخت فضاهای عمومی گمشده می تواند پتانسیل های طراحی مناسبی را در اختیار کارشناسان و طراحان مرتبط قرار دهد. لذا کارشناسان طراحی شهری، منظر شهری و معماری، از طریق شناخت نیازهای شهر و شهروندان می توانند فضاهای عمومی رها شده و مرده یک شهر را به فضاهای شهری سرزنده ای تبدیل کنند؛ که با داشتن یک منظر شهری مطلوب، به پیروی از آن، سیمای شهری ماندگارتری به وجود آورند. تحقیق حاضر از نوع کاربردی و گردآوری داده ها در این پژوهش بر اساس مطالعات اسنادی و کتابخانه ای و برداشت های میدانی (مشاهده و تحلیل) انجام شده است.

این پژوهش در صدد است پس از بیان تعاریف و مبانی نظری مطرح در زمینه فضاهای گمشده و مکان سازی، به عنوان مطالعه موردی به بررسی فضای زیر پل آذرآبادی تبریز بپردازد و با بهره گیری از ۴ مولفه اساسی رویکرد مکان سازی، شناخت و تحلیل این فضای رها شده صورت گرفته و بر اساس معیار های کیفی مطرح شده برای فضاهای شهری مطلوب و چارچوب های شکل گرفته در این رابطه، راهکارهای جهت دهنده برای فضای زیر پل را جستجو کند. در نهایت با استفاده از قوانین مکان سازی، طرح پیشنهادی ارائه می گردد.

---

واژه های کلیدی: فضاهای گمشده، طراحی زیر پل های شهری، مکان سازی، پل آذرآبادی تبریز

## ۱- مقدمه

طی ۸۰ سال اخیر شهرهای ایران به واسطه وارد شدن اتومبیل به شدت تغییر چهره دادند؛ به طوری که هم انسان پیاده و هم طبیعت از عرصه شهرها طرد شدند. فضاهایی که جایگاه تعاملات اجتماعی بودند کم رنگ تر شدند. برخوردهای چهره به چهره شهروندان حتی در مقیاس محله و شهر نسبت به گذشته به حداقل خود رسیده است. به موازات رشد افقی شهرها برخی فضاها در درون شهر رها شده و از روند توسعه بازماندند. این فضاهای رها شده که در نوشتارهای نوشهرگرایی با نام "سطوح میان افزا" خوانده می شوند [۱] و یا در رشته شهرسازی از آن به نام "فضاهای گمشده شهری" یاد کرده اند و یا با وجود مشکلاتی که از لحاظ امنیتی به وجود می آورند به آن ها "فضاهای بی دفاع شهری" گفته اند، از آن حیث دارای اهمیت اند که به سبب استقرارشان در درون شهرها، دارای پتانسیل بالایی برای فضاهای جمعی موفق، فضاهای سبز، فضاهای خدماتی شهری مانند تاسیسات و تجهیزات زیرزمینی و روزمینی و مزایایی از این دسته اند [۲].

گمشدگی فضا محصول ترک فضای شهری توسط مردم و بالطبع آن خاطره است. اگر این گمشدگی ادامه پیدا کند منجر به گمشدگی مکان می شود که بسیار حساس تر و خطرناک تر از گمشدگی فضا است. چرا که در گمشدگی فضا فقط زمینی بی استفاده در عرصه های شهری ایجاد می شود ولی با گمشدگی مکان علاوه بر این خاطره و تصور جمعی از یک فضا هم به فراموشی سپرده می شود، هویت گم می شود و مفهوم شهر و شهروندی از میان می رود. در واقع رابطه فضای عمومی و محتوای اجتماعی آن یک رابطه دو طرفه است، مردم به عنوان کاربران فضا بر آن تاثیر گذاشته و از آن تاثیر می گیرند؛ لذا هر عنصر شهری تنها نقش عملکردی صرف را بر عهده ندارد. به عبارت دیگر ساخت مسیرها و پل ها تنها به منظور رسیدن سریع به مقصد و اهمیت سرعت در شهرهای امروزی باعث ایجاد فضاهای گمشده و جدا از جریانات اجتماعی خواهد شد.

پل های روگذر سواره هرچند میراث الگوهای نامناسب مدرنیسم و حضور بی ضابطه خودرو در بافت شهری هستند، اما به سبب ویژگی های کالبدی خاصی که دارند، بازطراحی این فضاها ضروری به نظر می رسد؛ به گونه ای که می توان با در نظر گرفتن تمهیدات مناسب به فضاهای مثبت و حضورپذیر تبدیل کرد. بدین منظور از «رویکرد مکان سازی» که برای بهبود کیفیت فضاهای شهری مطرح است، استفاده شده است. مکان سازی "رویکردی چند وجهی به برنامه ریزی، طراحی و مدیریت فضاهای شهری است. به طور ساده می توان گفت، "مکان سازی" با دقت نگرستن به مردمی است که در فضایی مشخص زندگی، کار و بازی می کنند و در آن مسائلی از قبیل گوش دادن به مردم و سوال پرسیدن از آنان برای پوشش دادن نیازها و خواسته هایشان در فضاهای شهری یک اصل مهم به شمار می رود. با توجه به اینکه طراحی شهری یک دانش هدایت تحولات شهری در جهت ارتقای کیفی است، این نوشتار هدف غایی طراحی شهری را ساخت "مکان ها" برای مردم می داند که یکی از راه های دستیابی به آن نگرش به طراحی شهری از رویکرد مکان سازی است [۳].

این پژوهش با در نظر گرفتن ارتقا کیفیت فضاهای شهری به عنوان هدف غایی طراحی شهری و "مکان سازی" به عنوان رویکردی در دستیابی به این امر، سعی می کند با مطالعه مبانی نظری مکان سازی و توجه به محدودیت های پیش رو، راهکارهای مناسبی را برای بهبود وضعیت کیفی این فضا پیشنهاد کند. فضاهایی که می توانند جایگاه مناسبی در زندگی پرتحرک حاضر داشته باند و فرصت توقف و تجربه ای کوتاه را برای شهروندان فراهم آورند.

## ۱-۱- اهداف تحقیق

اهداف اصلی این پژوهش عبارتند از:

- تبدیل فضاهای گمشده و نامناسب نظیر فضای زیر پل به فضاهای اجتماع پذیر و سرزنده
- کاربری اصول مکان سازی در جهت ارتقا سطح مطلوبیت فضاهای همگانی و ایجاد فضاهای ماندگار شهری
- توجه به جنبه های کیفی در حمایت از توقعات روانی انسان از فضا
- دستیابی به تصویر ذهنی مناسب به عنوان یک کانون خاطره انگیز جمعی

## ۲-۱- روش تحقیق

این پژوهش از لحاظ هدف از نوع کاربردی است و از روش ترکیبی در آن استفاده شده است. بخش نخست این نوشتار به مباحث نظری و بخش دوم به طراحی مورد پژوهشی بر اساس نتایج حاصل از بخش نخست می پردازد. برای گردآوری اطلاعات از دو روش کتابخانه ای (مطالعه و مرور منابع موجود) و روش پیمایشی (جمع آوری اطلاعات از وضع موجود به صورت برداشت میدانی) استفاده شده است. به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات ۴ شاخصه اصلی مکان سازی بکار گرفته شده است.

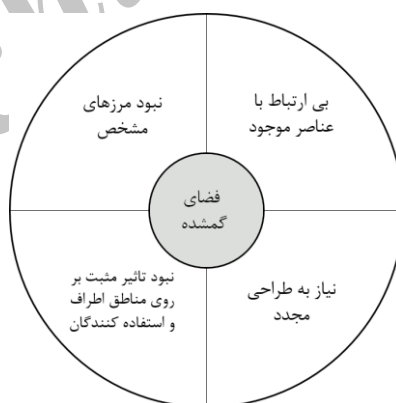
## ۲-۲ چارچوب نظری تحقیق

### ۲-۱- تعریف فضای شهری

فضای شهری فضایی است عمومی که سبب بوجود آمدن حیات مدنی و شهرنشینی شده و واجد ۳ شاخصه اصلی است: عمومی بودن فضا، باز بودن آن و برقراری تعامل اجتماعی. فضا را می توان به تناسب معیار و ضوابط گوناگون و از زوایای مختلف به انواع متفاوتی تقسیم نمود. در مقبول ترین دسته بندی فضا به چهار رده کلی تقسیم بندی می شود: الف) فضای عمومی ب) فضای نیمه عمومی ج) نیمه خصوصی د) فضای خصوصی [۲].

### ۲-۲- نظریه فضاهای گمشده شهری

نظریه فضای گمشده یا فراموش شده یکی از نظریه های فضای شهری است که توسط راجر ترانسیک مطرح شده است. او این گونه فضاها را به ۲ دسته فضای گمشده مادی (ظاهری) و معنایی (مفهومی) تقسیم بندی کرده است. طبق این دسته بندی فضای زیرپل سواره جز فضاهای گمشده مادی محسوب می شود [۴]. توجه این نظریه به اینگونه فضاها به شرح زیر می باشد: « فضاهای رها شده محدوده هایی نامناسب در شهرها هستند که عملاً نیاز به طراحی مجدد دارند و هیچ تاثیر مثبتی به محیط اطراف و استفاده کنندگان ارائه نمی کنند. این فضاها به درستی تعریف نشده اند و مرز قابل اندازه گیری هم ندارند. از طرف دیگر آن ها موقعیت های چشمگیری برای طراحان در جهت توسعه دوباره شهر و اقدامات خلاقانه و کشف دوباره مایه های پنهان موجود در شهرها بوجود آورده اند» [۵].

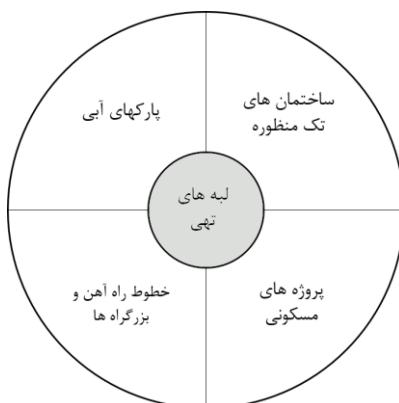


دیاگرام ۱: ویژگی های اصلی فضاهای گمشده (ماخذ: نگارندگان)

### ۲-۳- نظریه مکان مرده

این نظریه بیانگر این است که مکان های شهر به صورت تک منظوره درآمده است. جین جیکوبز معتقد است مکان های تک منظوره، فضاهای مرده ای هستند که استفاده کنندگان محدودی دارند. لذا فضاهای مرده میزان استفاده از شهر را در مکان های مختلف کاهش می دهند. همچنین بخش های مختلف شهر با کارکردهای محدود می توانند موجبات شکل گیری فضاهای مرده به صورت لبه های خطی گردند. «حواشی یا لبه ها در این حالت منشا ایجاد فضاهای تهی یا خلا خواهند بود و

حداکثر کاربردهای شهری را در یک مکان جهت می دهد. چنین ساختاری در مقیاس وسیع شهری کاربردی ساده و مختصر از شهر را با تعداد محدود استفاده کنندگان به همراه خواهد داشت» [۶]

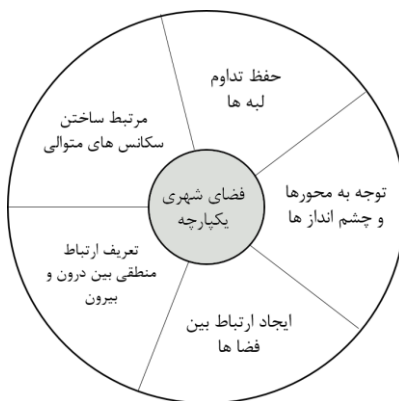


دیگرام ۲: تقسیم بندی لبه های تهی (ماخذ: نگارندگان)

#### ۴-۲- تعریف فضای گمشده

کارمونا در دسته بندی فضاهای شهری ، فضاهای رها شده و تعریف نشده را در زمره فضاهای منفی قرار داده است. او فضاهای رها شده را فضاهای فاقد عملکرد و باقی مانده بعد از توسعه های پیرامونی و فضاهای تعریف نشده را فضاهای توسعه نیافته ای می داند که یا رها شده اند و یا در آینده مورد توسعه مجدد قرار خواهند گرفت. لوکاتیوسیدریس از فضاهای گمشده با عنوان « شکاف های شهر» نام می برد و فضاهای مابین ، باقی مانده ، رها شده و بی استفاده و اغلب رو به ویرانی را در زمره این گونه فضاها طبقه بندی می کند [۷].

ترانسیک معتقد است : در طراحی شهری به جای تاکید بر فضاهای منزوی و جداگانه باید بر مجموعه فضاهای شهری و ترتیب و توالی آن ها به عنوان یک کل واحد تاکید شود. وی یکی از دغدغه های اصلی این رشته را در دوران معاصر ، بازگرداندن برخی ارزش ها و گوناگونی ها - به عنوان عنصر مهم شهرهای گذشته - به زندگی عمومی شهر می داند و معتقد است تصویر ذهنی شهروندان و عکس العمل آن ها نسبت به یک فضا به میزان قابل ملاحظه ای تحت تاثیر میزان و شکل محصوریت آن فضا است. ترانسیک یافتن راه هایی به منظور هماهنگ نمودن اتومبیل با چشم انداز شهری ، بدون لطمه وارد کردن به کیفیت فضاهای شهری را ضروری می داند و تاکید می کند که اگرچه جدایی مسیر حرکت سواره و پیاده در برخی موارد مطلوب خواهد بود ، اما در واقعیت تلفیق این دو در بیشتر فضاها اجتناب ناپذیر است. بر این اساس ترانسیک ۵ اصل طراحی را برای خلق فضای شهری یکپارچه به صورت شکل زیر مطرح می کند [۸].



دیگرام ۳: اصول طراحی فضای شهری یکپارچه (ماخذ: نگارندگان)

## ۵-۲- نظریه های برخورد با فضاهای گمشده

### ۵-۲-۱- نظریه فون میس

این تئوری در راستای رفع گسیختگی بافت شهر و ایجاد فضای شهری با تاکید بر از بین بردن فاصله بین طراح و استفاده کنندگان فضا، نشان دهنده این است که او به خلق فضاهایی می پردازد که با سیستم ارزشی و نیازهای استفاده کنندگان سازگار باشد. او در واقع به منظور ایجاد و حفظ هویت محیط، دخل و تصرف استفاده کنندگان را در محیط موثر می داند. فون میس پیشنهاد می کند: خلق محیطی که بر مبنای درک کامل طراحان از الگوهای رفتاری و سیستم ارزشی مردم و گروه های مورد نظر شکل گرفته است و عناصر محیطی اهمیت زیادی در بیان هویت آن ها دارند [۵]

### ۵-۲-۲- نظریه راجر ترانسیک

ترانسیک با مطرح نمودن سه نظریه در باب فضاهای شهری این طور بیان می کند که با استفاده همزمان از این نظریه می توان از ایجاد فضاهای گمشده در شهرها جلوگیری کرد [۹].

**الف) تئوری توده - فضا:** این نظریه به مطالعه ارتباط میان ساختمان ها (توده های سخت) و فضای باز خالی (زمینه) می پردازد [۸]. طراحی توده باید در جهت ساختار بخشیدن به فضاها باشد تا ساختمان و فضا با یکدیگر همزیستی مثبت داشته باشند. در این نظریه، اسان ترین راه ایجاد فضاهای تعریف شده توده های ساختمانی افقی است. این فضاها متشکل از سلسله مراتبی از قلمروهای عمومی و خصوصی و پیوسته است و ایجاد مکان های تجمع برای کنش متقابل و روابط اجتماعی را امکان پذیر می کند [۵].

**ب) تئوری اتصال:** راجر در این روش با ساختارهای خطی یک عنصر را به عنصر دیگر پیوند می دهد. این خطوط از راه، خیابان، پیاده رو، فضای باز خطی و یا دیگر عناصر ارتباطی، به گونه ای فیزیکی بخش های مختلف شهر را به هم پیوند می دهد، شکل گرفته اند و ترکیب فضاهای عمومی را به صورت یک کل معرفی می کند [۸].

**ج) تئوری مکان:** در روش مکان ابعادی چون نیازهای انسان و زمینه های فرهنگی، تاریخی و زمان و طبیعی (ویژگی های بومی زمینه) و ادراک بصری به اندازه محصوریت و ارتباط مهم هستند. مکان دارای هویت محیطی و حس مکان است که باید به آن توجه و یا آن را تقویت کرد. هر مکان، پدیده ای منحصر به فرد است و بر اساس کاراکتر محیط پیرامونش شکل می گیرد [۸]. وظیفه طراحان ایجاد مکانی است که بهترین تناسب را میان زمینه ی فرهنگی، کالبدی، نیازها و انتظارهای استفاده کنندگان فراهم آورد. برای ایجاد این مکان ها نیاز به بررسی زمینه تاریخی، اطلاع از نیازهای جامعه برای پاسخگویی به آن ها، آگاهی از سنت های گذشته در ساخت این مکان ها و قابلیت انعطاف برای تغییر در حال و آینده ضروری است [۱۰].

### ۵-۲-۳- نظریه اسکار نیومن

طبق این نظریه فضاهای گمشده، فضاهای بی دفاع شهری هستند که ساختار آن ارتکاب اعمال مجرمانه را راحت می کند. در واقع مکان هایی هستند که به کسی تعلق ندارند، کسی از آن ها نگهداری و محافظت نمی کنند و از دیدها محفوظ اند. بنابراین فضاهای دنج و مطمئنی برای فعالیت های غیرمجاز محسوب می شوند. نیومن عقایدش را درباره مراقبت از محیط کالبدی بر سلسله مراتبی که در بر دارنده ۴ منطقه (فضاهای عمومی، نیمه عمومی، نیمه خصوصی، خصوصی) که حدود آن ها به وسیله حصارهایی تعیین شده است، بنا نهاده. او معتقد بود فضاهای خالی و بدون متولی، موقعیت ارتکاب جرایم را بوجود می آورند [۱۱].

بر این اساس نظریه های برخورد با فضای گمشده را می توان به شکل زیر دسته بندی نمود:

جدول ۱: نظریه های برخورد با فضاهای گمشده [۵]

نظریه	تئوری
فون میس	۱. خلق محیط بر مبنای الگوهای رفتاری و سیستم ارزشی مردم ۲. جلب مشارکت شهروندان ۳. خلق محیطی و دخل و تصرف محیط به منظور ایجاد هویت
راجر ترانسیک	۱. تئوری توده - فضا ۲. تئوری اتصال ۳. تئوری مکان
اسکار نیومن	۱. ایجاد قلمرو به منظور ایجاد حس مالکیت ۲. ایجاد موقعیت نظارت ۳. جدایی حریم‌ها ۴. طراحی کالبدی محیط ۵. ترغیب حس مسئولیت‌پذیری شهروندان

۶-۲- نامکان های رهاشده

خلق نامکان ها نتیجه ی مستقیم الگوهای شهرسازی مدرن است که در آن دسترسی مهم تر از مجاورت است و نتیجه ی آن تغییر مفهوم جوامع مرکزی به جوامع مرزی و تغییر مفهوم مکان به موقعیت است. این تغییر سبب توجه بزرگراه های بیشتر در شهرها می شود. دسترسی تبدیل به ارزش شده و سایر ارزش های مکان را زایل می کند و در بسیاری موارد با گسستن بافت شهرها سبب نابودی مکان ها می شود. این مجراها معمولا به جای ارتباط دهنده به عنوان مانع عمل می کنند و همسایگی ها را از هم جدا می کنند [۱۲].

قلمرو شهری جدید تنها در فضاهای معمول شهرها ظاهر نمی شود بلکه اغلب در داخل و اطراف فضاهای میانی توسعه می یابد، فضاهایی همچون لبه ی تقاطع ها که در آن ها دنیاهای متفاوتی از همسایگی های قلمرو شهری با هم تماس پیدا می کنند. در این میان باید به فضاهای حمل و نقل و مجراهای ارتباطی توجه بیشتری شود، زیرا علاوه بر اینکه بخش وسیعی از شهرها را تشکیل می دهند طیف متنوعی از گروه های اجتماعی را نیز در برمی گیرند [۱۳].

تمرکز این پژوهش بر فضاهای رهاشده ی پل ای شهری است که به عنوان نامکان درک می شوند و در بسیاری از موارد فضاهای میانی باقی مانده ای هستند که رها می شوند و تبدیل به بخشی از فضاهای گمشده ی درون شهر می شوند و باید دوباره کشف شوند تا بتوانند به عنوان قلمرو عمومی نوین نقش موثری در شهر ایفا کنند. جست و جو به دنبال قلمرو عمومی نوین در واقع جنگ بین مکان و نامکان است و تبدیل کردن این نامکان ها به مکان می تواند کمبود فضای شهری را در کلان شهرهایی چون تبریز حل کند.

۷-۲- مکان

مکان جایی است که به واسطه اشغال انسان معنا یافته است ، در این حالت مکان مفهومی فرهنگی برای توضیح کیفیت رابطه انسان با محیط است. همچنین مکان به بخشی از فضا که به واسطه ارزش های انسانی بار معنایی خاصی می یابد اطلاق می شود و ۴ شاخصه اصلی آن عبارت است از :

- مفاهیم
- فعالیت ها
- مناسبات اجتماعی
- ویژگی های کالبدی [۱۴].



مکان نقطه ای مشخص بر روی سطح زمین است ؛ محلی مشخص که سرشار از ارزش های انسانی است. بنابراین مکان تنها یک محل نیست بلکه نوع مشخص و منحصر به فرد آن است و آن چه آن را منحصر بفرد می سازد ، همراه بودن آن با ارزش های انسانی است [۱۵].

مکان هم دارای معناست و هم خاطره ها . مکان منفعل نیست مکان صرفا به این دلیل که واقعی یا بدلی، مستند یا تقلیدی است، بد یا خوب تلقی نمی شود. مردم از هر دوی آن ها، چه مکان هایی که در طول قرون بوجود آمده اند و چه مکان هایی که یکباره بوجود آمده اند لذت می برند. یک مکان موفق، همانند یک داستان یا یک فیلم، ما را به شکلی کاملا فعالانه در تجربه ای عاطفی درگیر می کند [۷].

## ۸-۲- مکان سازی

مکان سازی در دهه های اخیر و به ویژه از اوایل دهه ۹۰ میلادی به بعد ، به عنوان رهیافتی جدید در طراحی شهری مطرح شد که بیشتر به دنبال ارتقا نقش مکان های عمومی پایدار با هویت خاص ، مطابق با نیازها و خواسته های انسانی و در برگیرنده فعالیت های اجتماعی در جوامع محلی است [۱۶].

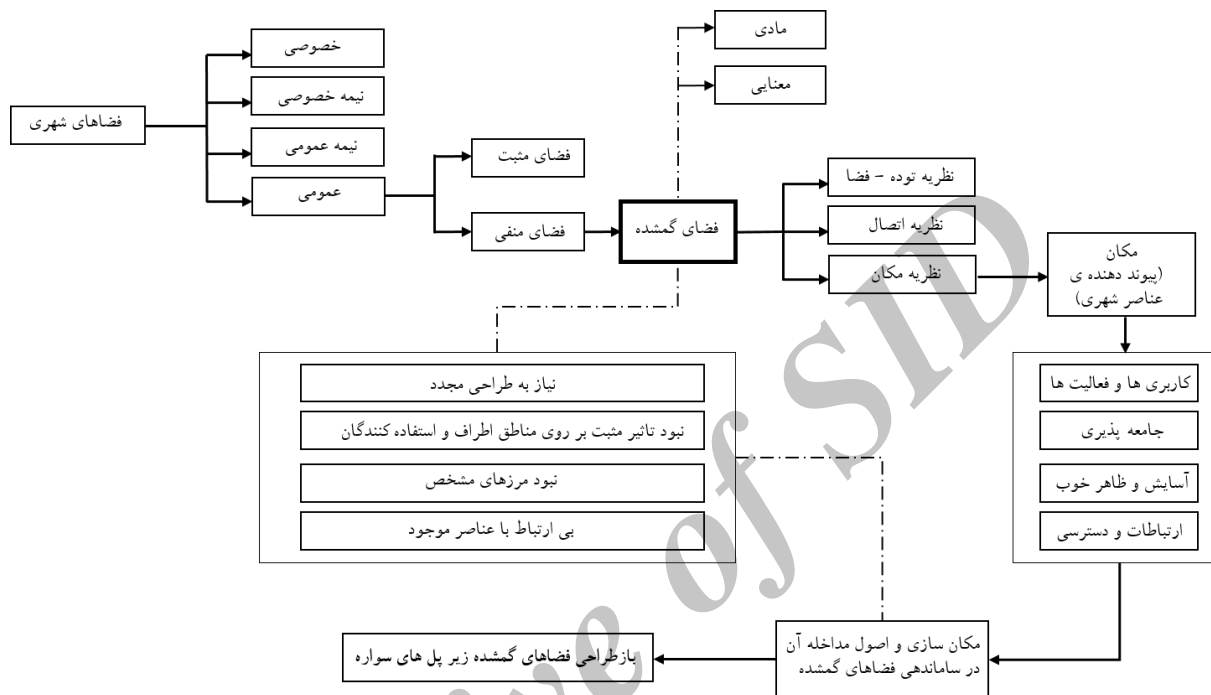
مکان سازی رویکردی است که با استفاده از تکنیک ها و توصیه های خاص سعی در ارتقا تلاش معماران ، شهرسازان و مدیران شهری برای ایجاد مکان دارد. مکان سازی در واقع نقطه مقابل تلقی کردن و توده ای دیدن مردم است و آنچه در آن اهمیت می یابد مشاهده و ارزش نهادن به تک تک مردمی است که برای محل زندگی شان و دخالت در سرنوشت آن ارزش قائل اند. جریان مکان سازی، برای مقابله با مسائلی بود که رویکردهای ماشینی و یکنواخت گرایانه مدرنیست ها در شهر ها به بار آورده بود. بدین ترتیب طراحی یکپارچه اهمیت یافت و توجه به نیازهای شهروندان و اتخاذ طراحی پلورالیزم یا کثرت گرا برای حضور همگان در فرآیند طراحی نیز به بخش غیر قابل انکار در طراحی تبدیل گردید [۳].

PPS سازمانی در آمریکا می باشد که به ارزیابی فضاهای عمومی در شهرهای مختلف جهان پرداخته و نتایج حاصل از این بررسی ها را در قالب رویکرد مکان سازی ارائه کرده است. این سازمان معتقد است که نیاز امروز ما ، طراحی فضاهایی از شهر است که بتواند به خوبی کار کند ، برای استفاده کنندگان فضا و مردم مطلوب باشد و اثرات محیطی مثبت و غیرمخرب را به همراه داشته باشد. این سازمان بعد از بررسی های خود به این نتیجه رسیده است که مکان های موفق در ۴ کیفیت اساسی مشترک هستند و این معیارها را به صورت جدول زیر ارائه داده است [۱۷] :

جدول ۲ : معیارهای سنجش کیفیت مکان [۱۷]

ویژگی کلیدی	معیار های کیفی	معیار های کمی	
<b>مکان</b>	کاربری ها و فعالیت ها	جالب - فعال - حیاتی - واقعی - بومی منحصر به فرد - مفید - جشنواره ای - پایدار	مالکیت مشاغل محلی - الگوهای کاربری زمین خرده فروشی ها - ارزش املاک - سطح اجاره ها
	جامعه پذیری	متنوع - نظارت - تعاونی - روابط اجتماعی افتخار - دوستانه - اثر متقابل - استقبال	تعداد زنان ، کودکان و سالمندان - زندگی خیابانی - شبکه های اجتماعی - فعالیت های شبانه - فعالیت های اختیاری
	آسایش و ظاهر خوب	امنیت - پیاده مداری - پاکیزگی - قابل نشستن قابل توجه - سرسبزی - معنوی - جذاب - تاریخی	آمار جرم و جنایت - سطح بهداشت وضعیت ساختمان ها - داده های محیطی
	ارتباطات و دسترسی	تداوم - نزدیکی - متصل - خوانا - راحت قابل دسترس - قابلیت پیاده روی	نحوه توزیع - الگوهای استفاده از پارکینگ - کاربرد مسیرها - داده های ترافیکی - فعالیت های پیاده

مکان سازی می تواند برای بهبود همه فضاهایی که در یک جامعه محلی پتانسیل مکان شدن دارند نظیر خیابان ها ، پیاده روها ، پارک ها ، ساختمان ها ، فضاهای زیر پل سواره و ... مورد استفاده قرار گیرند این مکان ها می توانند تعامل قوی تری بین مردم ایجاد کنند و آن ها را سالم تر ، اجتماعی تر و جوامعی از نظر اقتصادی ماندگارتر پرورش دهند.



دیاگرام ۴: چارچوب نظری تحقیق (ماخذ: نگارندگان)

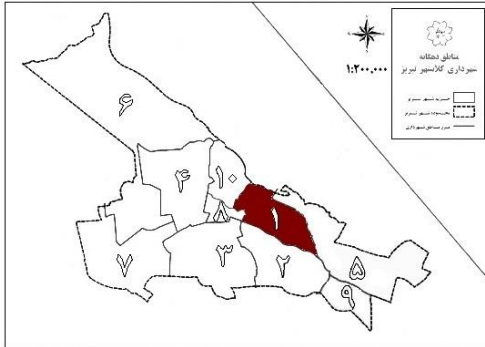
### ۳- ویژگی پل های روگذر سواره

می دانیم عبور پل های روگذر سواره از میان بافت شهری ، جهت تسهیل حرکت سواره صورت می گیرد. این پل ها علاوه بر از بین بردن انسجام و یکپارچگی بافت ، فضاهای رها شده زیادی را به وجود می آورد و به علاوه در بسیاری موارد به دلیل شکل دادن نقاط کور موقعیت هایی ناامن ایجاد می کنند . با توجه به اینکه حضورشان در شهرها اجتناب ناپذیر است و نمی توان نادیده گرفت و یا همه پل ها را تخریب کرد ، باید به پتانسیل ها و ظرفیت های آن ها توجه کرده و آن ها را به عنوان فضاهایی که با تمهیداتی می توانند نقش مثبتی در خلق فضاهای نوین شهری داشته باشند مورد تحلیل قرار داد [۱۳].

### ۴- معرفی محدوده مطالعاتی

یکی از پل هایی که در سالهای اخیر در تبریز جهت تسهیل حرکت سواره ایجاد شده است پل آذرآبادی حق می باشد. این پل در منطقه ۱ تبریز و در حد فاصل بلوار ولیعصر و بلوار ۷ تیر واقع شده است. در طراحی این روگذر صرفا به قوانین پل سازی توجه شده و فضای زیر پل عملا بدون استفاده باقی مانده و باعث از بین رفتن هویت فضای اطراف پل گردیده است. همچنین با وجود کاربری های جذابی نظیر پارک آنالار و آتالار ، پارک مینیاتور ، مجموعه فرهنگی - تفریحی پتروشیمی ، مجتمع تفریحی صدرا ، موزه و کتابخانه ایثارگران و ... در بدنه خود از کیفیت پایین در رابطه با حیات جمعی برخوردار است. آنچه ضرورت مکان سازی در زیر پل آذرآبادی حق را ایجاد می کند ، وجود اغتشاشات بصری ، عدم وجود مبلمان شهری، فقدان تسهیلات لازم جهت پاسخگویی به نیاز شهروندان ، شرایط نامناسب زیست محیطی، تک عملکردی بودن پل و ... است که در نهایت منجر به عدم کارایی محدوده گردیده است.





موقعیت حوزه بلافضل (منطقه ۱) و حوزه مداخله ( بلوار استاد شهریار و پل آذرآبادی) و تصاویر سایت مطالعاتی

## ۵- یافته های تحقیق

با توجه به اینکه هدف این پژوهش ارتقا سطح مطلوبیت فضایی می باشد لذا با بهره گیری از ۴ مولفه اساسی رویکرد مکان سازی به شناخت و تحلیل فضای زیر پل آذرآبادی پرداخته شده. نتایج حاصل از این ارزیابی به شرح زیر می باشد :

(۱) **کاربری ها و فعالیت :** با توجه به اینکه در محدوده مطالعاتی کاربری های جاذب جمعیت وجود ندارد لذا می توان با استقرار فعالیت های تفریحی و گذران اوقات فراغت همچون کافه و رستوران و ... تعاملات اجتماعی دوستانه و ملاقات جمعی را افزایش داد فضایی جهت بازی کودکان طراحی کرد. همچنین فعالیت های فرهنگی، نمایش های هنری محلی و ... را ارتقا داد.

(۲) **جامعه پذیری :** بررسی زیر پل آذرآبادی نشان می دهد که فضا برای حضور افراد طراحی نشده است. عدم وجود مبلمان شهری و نورپردازی ناکافی باعث شده که شهروندان هیچگونه احساس تعلق با آن برقرار نکنند. بنابراین، هیچ نظارت عمومی نیز بر روی آن صورت نمی گیرد. لذا این فضا نیازمند بازنگری و طراحی مجدد به منظور ارتقا کیفیت زندگی جمعی و حیات اجتماعی، جهت حضور گروه های مختلف سنی و جنسی و تقویت حس تعلق می باشد. بدین منظور باید تمهیدات لازم (نظیر جانمایی مبلمان شهری و طراحی گلجای و...) جهت ترغیب شهروندان به حضور در فضا مهیا گردد.

(۳) **آسایش و ظاهر خوب :** بازدید میدانی از زیر پل نشان دهنده آن است که میان مصالح پل و بناهای مجاور هماهنگی وجود ندارد. همچنین عدم وجود محصوریت، صلب بودن زیر پل، عدم توجه به غنای حسی محیط، بالا بودن آلودگی های زیست محیطی، اجرای نامناسب بتن و ... همگی از جمله نقاط ضعف فضا محسوب می شوند. بدین منظور می توان با اقداماتی نظیر استفاده از فرم های خلافانه و متنوع نظیر نقاشی دیواری، هنرهای گرافیکی، یادبودها و مجسمه های شهری و ... کیفیت های فضایی زیر پل را بهبود بخشید. و با نصب موانع فیزیکی و جداسازی مسیر حرکت سواره و پیاده با پوشش گیاهی، حس محصوریت و امنیت پیاده ها در مقابل سواره را تقویت کرد.

(۴) **ارتباطات و دسترسی :** این بلوار بدلیل حضور حجم زیادی از وسایل نقلیه و کارکرد صرفا عبوری، از سویی موجب ایجاد آلودگی صوتی و از سویی دیگر بدلیل ناامنی موجب عدم حضور و آسایش عابرین پیاده شده. لذا می توان با ایجاد عقب نشینی و لاین کندرو در مسیر دسترسی از ترافیک محدوده جلوگیری کرد. همچنین با ایجاد کفسازی متفاوت در تقاطع زیر پل موجبات کاهش سرعت سواره و ایمنی عابران پیاده را فراهم کرد. نتایج حاصل از بازدید و بررسی به اختصار در جدول زیر بیان شده است.

جدول ۳: جمع بندی نتایج حاصل از بررسی زیر پل آذرآبادی به منظور مکان سازی (ماخذ : نگارندگان)

مولفه های مکان سازی	ویژگی های پل آذرآبادی تبریز	راهکارهای پیشنهادی
کاربری ها و فعالیت ها	<p>(۱) عدم وجود انعطاف پذیری در عملکرد و فعالیت</p> <p>(۲) نبود کاربری های جاذب جهت سرریز جمعیتی</p> <p>(۳) نبود تنوع عملکردی در فضای زیر پل</p> <p>(۴) نزدیکی به فضاهای تفریحی و ورزشی صدرا و پتروشیمی</p>	<p>(۱) فراهم کردن امکان برگزاری جشنواره های محلی موسمی</p> <p>(۲) استقرار فعالیت های تفریحی و گذران اوقات فراغت چون کافه و رستوران ...</p> <p>(۳) جانمایی دکه های مطبوعات و تابلوهای اطلاعاتی</p> <p>(۴) ایجاد فضای بازی کودکان و محیطی برای ورزش های همگانی</p>
جامعه پذیری	<p>(۱) عدم حضورپذیری در فضای زیر پل</p> <p>(۲) عدم وجود حس تعلق به فضا</p> <p>(۳) وجود کفسازی یکنواخت</p> <p>(۴) عدم وجود تمهیداتی جهت ترغیب شهروندان برای حضور</p> <p>(۵) بی توجهی به گروه های کم توان و معلولین</p>	<p>۱- الف) فراهم کردن امکان حضور گروه های مختلف سنی و جنسی</p> <p>۱- ب) جانمایی چراغ هایی در مقیاس انسانی جهت بالا بردن امنیت</p> <p>(۲) استفاده از تصاویر مشاهیر آذربایجان به صورت دیجیتالی قابل تغییر و یا با استفاده از تکنیک های هنری</p> <p>(۳) ایجاد کفسازی متنوع جهت تعریف فضایی فعالیتهای متنوع</p> <p>(۴) جانمایی مبلمان ثابت و متحرک با مصالح مناسب با اقلیم</p> <p>(۴) طراحی گلجای و باغچه ها</p> <p>(۵) طراحی مسیر بساوبایی و سطوح شیب دار</p>
آسایش و ظاهر خوب	<p>(۱) عدم وجود محصوریت مناسب در زیر پل</p> <p>(۲) نبود هماهنگی میان مصالح پل و بناهای مجاور</p> <p>(۳) نبود دید و منظر مطلوب</p> <p>(۴) بالا بودن آلودگی محیطی و صوتی به علت تردد انبوه سواره</p> <p>(۵) پایین بودن آسایش اقلیمی فضا در زمستان</p> <p>(۶) لفضندگی و امکان شکستن کف سازی زیر پل</p> <p>بدلیل یخبندان</p> <p>(۷) عدم وجود غنای حسی در فضا</p> <p>(۸) یکنواختی و صلب بودن زیر پل</p> <p>(۹) اجرای نامناسب بتن و پوشیدگی و رنگ نامناسب در برخی جاها</p>	<p>(۱) نصب موانع فیزیکی و جداسازی مسیر حرکت سواره و پیاده با پوشش گیاهی</p> <p>(۲) استفاده از آجر به عنوان متربال غالب محدوده مطالعاتی در طراحی برخی از قسمت های زیر پل</p> <p>۳- الف) ایجاد قاب بندی های معماری</p> <p>۳- ب) ایجاد اختلاف ارتفاع در برخی نقاط برای ایجاد دیدهای متنوع</p> <p>(۴) کاشت درختان پهن برگ در حاشیه فضای زیر پل</p> <p>(۵) طراحی فضاهای شیشه ای برای دستیابی به آسایش اقلیمی</p> <p>(۶) استفاده از سنگ اسپراخون برای مقاوت بیشتر در برابر لغزدگی</p> <p>(۷) طراحی آبناهای انعطاف پذیر جهت استفاده متنوع در فصول مختلف</p> <p>(۸) استفاده از فرم های خلافانه و متنوع نظیر نقاشی دیواری ، هنرهای گرافیکی ، یادبودها و مجسمه های شهری و ...</p> <p>(۹) بازسازی قسمت های خراب شده و استفاده خلافانه از آن</p>
ارتباطات و دسترسی	<p>(۱) سرعت زیاد سواره و عدم وجود پارکینگ در نزدیکی پل</p> <p>(۲) سرعت بالای خودروها هنگام دور زدن به سمت خیابان گلکار</p> <p>(۳) وجود خط کشی های عابر پیاده در یک طرف پل</p>	<p>(۱) ایجاد عقب نشینی و لاین کندرو در مسیر دسترسی به منظور جلوگیری از ترافیک و ایجاد پارکینگ</p> <p>(۲) استفاده از کفسازی متفاوت در تقاطع زیر پل جهت کاهش سرعت سواره</p> <p>(۳) امتداددهی خط کشی عابر پیاده در آن سوی خیابان</p>



تصویر ۱: وضع موجود



تصویر ۲: طرح پیشنهادی ماخذ: نگارندگان





تصویر ۳: وضع موجود



تصویر ۴: طرح پیشنهادی ماخذ: نگارندگان

## ۶- نتیجه گیری

فضاهای شهری جزئی از زندگی انسان ها بوده و انسان همواره با حضور و فعالیت خود در آنها، به فضاهای شهری سرزندگی می بخشند. در صورت عدم وجود حضورپذیری و پویایی و تک عملکردی بودن فضا ، بخش وسیعی از شهرها به نامکان هایی رهاشده و بلا استفاده تبدیل خواهند شد. چنین فضاهای گمشده علی رغم دارا بودن پتانسیل های فراوان همچون شکاف های بی شکل و راکد پویایی و سرزندگی را از بافت های شهری گرفته و هیچ ارتباط مثبتی با محیط پیرامون و استفاده کنندگان برقرار نمی سازند. با توجه به اینکه پل آذرآبادی سطح وسیعی را به خود اختصاص داده ، فضای زیر آن می تواند فعالیت های متنوعی را در خود جای دهد و مقداری از کمبودهای فضاهای شهری را جبران کنند ؛ لذا شناسایی کیفیت هایی محیطی نهفته در این فضاها ، می تواند یک فضای گمشده و مرده را به یک فضای تجمع پذیر و زنده تبدیل کند. رویکرد اصلی این پژوهش در برخورد با فضاهای گمشده و نامناسب نظیر فضای زیر پل ، مفهوم « مکان سازی» می باشد که با بهره گیری از مطالعات کتابخانه ای و مرور منابع موجود ، معیارهای مطرح شده استخراج گردیده سپس با استفاده از چهار شاخصه اصلی مکان سازی که شامل (۱) کاربری ها و فعالیت ها (۲) جامعه پذیری (۳) آسایش و ظاهر خوب (۴) ارتباطات و دسترسی می باشد به تحلیل محدوده مطالعاتی پرداخته شده است. در نهایت با بکارگیری شاخص ها و زیرشاخص های مرتبط با مکان سازی ، راهکارهای موثر در جهت ارتقا سطح مطلوبیت فضای همگانی و بازطراحی فضای گمشده زیر پل آذرآبادی تبریز ارائه شده است.

Archive of SID

## مراجع

- [۱] رفیعیان، م.، خدایی، ز. شهروندان و فضاهای عمومی شهری: نگرش تحلیلی، بررسی شاخص ها و معیارهای موثر بر رضایت مندی شهروندان از فضاهای عمومی شهری، تهران، دفترگسترش تولید علم، ۱۳۸۹.
- [۲] زندیه، م.، ذیحق، ف. روانشناسی محیط در فضاهای گمشده و بی دفاع شهری (مطالعه موردی: پل سید خندان تهران)، ۱۳۹۳.
- [۳] طبرسا، م.، حاجیها، ه. خلق فضاهای با کیفیت شهری پیاده مدار با رویکرد مکان سازی (نمونه مطالعه: خیابان شهرداری تهران منطقه یک)، ۱۳۹۵.
- [۴] آشورماهانی، ح.، مهدوی، ا. طراحی شهری فضاهای گمشده زیر پل های شهری (نمونه موردی: پل ۹ دی کرمان)، ۱۳۹۵.
- [۵] پاک شیر، م و همکاران. « فضای گمشده شهری» واکاوی نظری و تجربیات جهانی، ۱۳۹۵.
- [۶] Lin, Yao , Identifying Perceptions Of The Creative Class Regarding Lost Space In Downtown Dallas. December 2012
- [۷] کارمونا، متیو و هیت، تیم و تیسدل، تنزاک و تیسدل، استیون، مکان های عمومی فضاهای شهری: ابعاد گوناگون طراحی شهری، مترجم فریبا قرائی و همکاران، تهران، دانشگاه هنر، ۱۳۸۸.
- [۸] Transik, Roger, finding lost space, Theories of urban Design , 1986
- [۹] تولایی، ن. فضای شهری و روابط اجتماعی - فرهنگی، نشریه نامه پژوهش فرهنگی: بهار ۷ (۵)، ۱۴۰ - ۱۰۹ - ۱۳۸۲.
- [۱۰] شایگان، د. در جستجوی فضاهای گمشده. مجله: ایران نامه، ۳۶ (۱۲)، ۵۵۲-۵۴۱، ۱۳۷۰.
- [۱۱] یوسفی، ع.، جوهری، ل. فضاهای بی دفاع در شهر و حس ترس؛ پدیدارشناسی تجربه عبور از پل های زیرگذر در مشهد، جغرافیا و مخاطرات محیطی، ۳(۲)، ۱۴۳ - ۱۲۹، ۱۳۹۳.
- [۱۲] Loukaitou-Sideris, A. "Cracks in the city: addressing the constraints and potentials of urban Design". Journal of Urban Design, 1(1), pp. 91- 103 , 1996
- [۱۳] رزاقی اصل، س.، عنصری، ش. بررسی نقش فضای رهاشده ی زیر پل های سواره برای ایجاد قلمروی عمومی نوین، ۱۳۹۳.
- [۱۴] فلاح، م.، شهیدی، ص. نقش مفهوم توده - فضا در تبیین مکان، نشریه باغ نظر، شماره ۳۵: ۳۸ - ۲۸، ۱۳۹۴.
- [۱۵] عابدی، م. تبیین رویکرد مکان سازی در طراحی شهری، تهران: دانشگاه هنر اسلامی تبریز، پایان نامه کارشناسی ارشد طراحی شهری، ۱۳۹۰.
- [۱۶] بنگدار، ا.، قرائی، ف. تغییر پارادایم ها در اصول طراحی شهری؛ از مولفه های کالبدی و اجتماعی و ادراکی به رهیافت مکان سازی، نشریه نامه معماری و شهرسازی، شماره ۶: ۷۰ - ۵۱، ۱۳۹۰.
- [۱۷] [www.placemakingchicago.com/about/qualities.asp](http://www.placemakingchicago.com/about/qualities.asp)